

بازسازی معنایی تجربه‌ی مجرد از منظر دختران ۳۰ سال به بالای شهر بوکان

جمال خسروی*، عمر خضر نژاد**، حمیرا دارنی***

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تجربه‌ی زیسته‌ی دختران از مجرد و واکاوی نگرش‌ها، احساسات و واکنش‌های آن‌ها به مجرد و درک معانی ذهنی آنها انجام شده است. پژوهش حاضر از نوع کیفی است. در این پژوهش ۱۶ نفر از دختران مجرد بالای ۳۰ سال شهر بوکان با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزار پژوهش مصاحبه نیمه ساختاریافته بود و داده‌ها به روش تحلیل محتوا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج پژوهش بر اساس کدها و طبقات به دست آمده از تجربه‌ی زیسته‌ی دختران مجرد پاسخگو نشان داد که آنها مواردی نظیر احساس عدم پیشرفت، احساس پوچی و سردرگمی در زندگی، احساس سربار بودن در خانواده و افسردگی، تنهایی مزمن، قضاوت و پیش‌داوری ناصواب، پافشاری خانواده بر تسریع ازدواج، قربانی شدن و فداکاری به خاطر شرایط نامساعد خانواده و ناامنی مالی و اقتصادی را تجربه می‌کنند. همچنین مفاهیم به دست آمده نشان داد که تلاش جهت توانمندسازی و کسب مهارت، حفظ سلامت و جوانی و کسب استقلال از مهم‌ترین استراتژی‌هایی است که دختران مجرد برای بهبود زندگی خود در پیش می‌گیرند.

واژگان کلیدی

تناقض در احساسات، تجربه‌ی مجرد، دختران مجرد، شهر بوکان، تحلیل محتوای کیفی.

*. استادیار و عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور، بوکان، ایران (نویسنده‌ی مسئول (khosravi.arshad53@gmail.com)).

** کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور، بوکان، ایران (o.khezmezhad@gmail.com).

*** کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور، بوکان، ایران (lili.dami@gmail.com).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۱۷

۱- مقدمه و طرح مسئله

زنان یکی از گروه‌های اجتماعی هستند که در متون علمی از احساسات و تجربیاتشان کمتر سخن به میان آمده است. زنان به دلیل تابوهای اجتماعی و فرهنگی، کمتر توانسته‌اند از موقعیت ویژه و تجارب خاص خود سخن بگویند. در دهه‌های اخیر تحت تأثیر مطالعات اجتماعی، بخش‌هایی از ویژگی‌های اجتماعی زنان مورد توجه قرار گرفته است، اما هنوز در میان تجارب ویژه‌ی زنان، جریان زندگی روزمره که تجارب زیسته‌ی افراد در آن شکل می‌گیرد مغفول مانده است. افزایش سن ازدواج جوانان و به‌ویژه دختران با توجه به بسترهای اجتماعی متفاوت از جمله مواردی است که تجارب زیسته‌ی منحصربه‌فردی را برای آن‌ها به وجود می‌آورد.

طی قرن اخیر، به واسطه‌ی فرایندهایی همچون صنعتی شدن، شهرنشینی، جهانی شدن، پیشرفت فن‌آوری و... نهاد خانواده تغییرات گسترده و ژرفی را تجربه کرده است (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴۴). افزایش سن ازدواج و بروز پدیده‌ی مجرد طولانی مدت با وجود تأکید و اهمیت ازدواج از سوی جامعه و خانواده از زمره تحولاتی است که در نتیجه‌ی تغییرات کلان در سطح جامعه ایجاد شده است. این تأخیر در ازدواج که در برخی موارد به مجرد قطعی می‌انجامد، فشار اجتماعی و شرایط رنج‌آوری را متوجه دختران مجرد می‌کند (قانع عزآبادی و همکاران، ۱۳۹۴ به نقل از جکسون و اسکات، ۲۰۰۲: ۱). تجارب به‌دست‌آمده از دوران مجرد طولانی مدت دختران از یک‌سو رفتارها و نگرش‌هایی که اطرافیان و خانواده نسبت به دختران مجرد دارند و از سوی دیگر احساسات و تجارب خاص دختران مجرد در پی تلقی و برداشت آن‌ها از این رفتارها و نگرش‌ها را در برمی‌گیرد. از این رو واکاوی تجارب زیسته‌ی دختران مورد مطالعه می‌تواند بیانگر اثرات این پدیده بر زندگی شخصی و اجتماعی آن‌ها باشد.

سنت‌ها و هنجارهای مبتنی بر ضرورت تشکیل خانواده به‌خصوص در شهرهای کوچکی نظیر شهر بوکان دختران را به ازدواج در آغاز سنین جوانی تشویق می‌کند. در این شرایط دغدغه‌ی ازدواج، عموماً بعد از اتمام دوره‌ی دبیرستان برای دختران شروع شده و تا عملی شدن ازدواج ادامه دارد. در این میان، برخی از دختران که امکان ازدواج پیدا نمی‌کنند و سن ایدئال ازدواج از نگاه جامعه را از دست می‌دهند با پدیده مجرد طولانی مدت یا مجرد قطعی مواجه می‌شوند.

طبق سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ از جمعیت ۹۴۰۰۰ نفری زنان شهر بوکان، بالغ بر ۲۶۰۰ دختر مجرد در فاصله سنی ۴۹-۳۰ ساله وجود داشته که ازدواج نکرده‌اند (مرکز آمار ایران، www.sci.org.ir). لذا آگاهی و شناخت از تجربه‌ی زیسته‌ی این دختران از مجرد در نیای

پیچیده‌ی امروزی و همچنین دست یافتن به تفاوت‌ها و مقایسه‌ی تجربه‌ی زیسته‌ی دختران مجرد از دیدگاه خودشان، محققان را بر آن داشت که به واقعیت‌های نهفته در زندگی آنان بپردازند و علل مجرد ماندن و احساسات آنان نسبت به این تجربه را بررسی نمایند. همچنین، با در نظر گرفتن اهمیت ازدواج از نگاه جامعه، دین و خانواده، بالا رفتن سن ازدواج و احتمال تجرد، مسئله‌ای اجتماعی محسوب می‌شود و نیاز به بررسی دارد. لذا در این پژوهش برآنیم تا با مطالعه‌ی ژرف و درک تجربه‌ی زیسته‌ی دختران مجرد شهر بوکان به واکاوی دیدگاه‌ها، نگرش‌ها، احساسات و واکنش‌های آن‌ها در برابر تجرد بپردازیم.

۲- پیشینه‌ی پژوهش

پژوهش کجباف و همکاران با عنوان «تحلیل کیفی تجربه‌های ناخواسته در دختران و پسران» نشان داد که در مجموع، افراد مجرد از وضعیت خود رضایت نداشته و احساس شکست روانی، افت جسمانی و طردشدگی و عدم پذیرش داشته‌اند (کجباف و همکاران، ۱۳۸۷). عزآبادی و همکاران نیز در پژوهشی به بررسی تجارب زیسته‌ی دختران مجرد سی سال و بالاتر شهرهای یزد و اصفهان پرداخته‌اند. اظهارات تحقیرآمیز، طعنه‌ها، کنایه‌ها، ترحم، شایعه‌پراکنی و گمانه‌زنی درباره‌ی دلایل تجرد تنها بخشی از تجارب زیسته‌ی دختران مجرد در زمینه‌ی داغ ننگ ادراک‌شده از جامعه است که در این پژوهش مورد کنکاش قرار گرفته است (فانع عزآبادی و همکاران، ۱۳۹۲).

قادرزاده و همکاران نیز در پژوهشی با عنوان «بازسازی معنایی تجربه‌ی زیسته‌ی دختران از تجرد» به مطالعه‌ی تجارب زیسته دختران مجرد شهر ایوان در زمینه‌ی داغ ننگ ناشی از تجرد پرداختند. بر اساس این مطالعه، تجربه‌ی تجرد برای دختران، خشونت روانی، انزوای مضاعف، آینده‌ی مبهم، جایگاه نازل و احساس سرباری در پی داشته‌است (قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۶).

یافته‌های پژوهشی با عنوان «تجربه‌ی زیسته‌ی دختران از تأخیر در ازدواج و گونه‌شناسی استراتژی‌های مواجهه با آن» نشان می‌دهد، امروزه تأخیر در ازدواج به تجربه‌ی زیسته‌ی بخشی از دختران و پسران تبدیل شده است؛ اما این امر برای دختران شرایط متفاوت‌تری را ایجاد کرده است و موجب بروز تجربه‌ی فشارهای اجتماعی بیشتری به سبب تأخیر در ازدواجشان شده است (پروین و همکاران، ۱۳۹۸).

باقری و همکاران نیز در پژوهشی با عنوان «برساخت معنایی تأخیر سن ازدواج بر اساس نظریه‌ی زمینه‌ای» که با هدف درک تجربه‌ی زیسته‌ی دختران مجرد درباره‌ی تجرد انجام شده است، احساسات و نگرش‌های دانشجویان دختر شهر مشهد را بررسی کرده است. نتایج پژوهش

حاکمی است که دختران با توجه به وضعیت اقتصادی، تحصیلی، داشتن یا نداشتن تجربه‌ی روابط دوستی با مردان، تصویرهای متفاوتی درباره‌ی مجرد دارند (باقری و همکاران، ۱۳۹۸).

برگ و همکاران در پژوهشی با عنوان «زنان شاغل مجرد» پدیده‌ی جهانی دختران مجرد را در کشورهای مختلف بررسی کرده‌اند. این پژوهش به جهانی بودن زن مجرد شاغل به‌مثابه‌ی نخستین پدیده‌ی جامعه‌شناختی جهانی در قرن بیست و یکم پرداخته و ریشه‌های اقتصادی این پدیده را بررسی کرده است (Bergss & et al, 2007).

ابراهیم حسن در پژوهشی به بررسی مجرد زنان مسلمان هرگز ازدواج‌نکرده در مالزی پرداخته است. یافته‌ها حاکی از آن است که تجربه‌ی مجرد در تمامی فرهنگ‌ها وجود دارد و فقط تعدد مذهب و فرهنگ‌های مختلف تجربه‌ی آن‌ها را از هم متفاوت می‌کند. تجربیات حاصل از مصاحبه‌های انجام‌شده در بین مشارکت‌کنندگان در این پژوهش نشان داد که زنانگی با داشتن همسر، بچه و تأهل تعریف می‌شود (قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۹ به نقل از ابراهیم حسن، ۲۰۰۹).

بایرن در پژوهشی با عنوان «بسط مدل جامعه‌شناختی برای پژوهش در باب خود و هویت‌های اجتماعی زنان» نشان داد که دخترانی که هرگز ازدواج‌نکرده‌اند به‌مراتب بیشتر از مردان مجرد برخورد تبعیض‌آمیز را در عرصه‌های غیررسمی تجربه می‌کنند (byrne, 2003).

ری کانتی در پژوهشی به بررسی «پیش قضاوت، تبعیض و نابرابری جنسیتی در بین زنان شاغل مجرد اندونزیایی» پرداخته است. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که در اندونزی، زنان تحصیل‌کرده‌ی شاغل صرفاً به دلیل تجردشان به‌صورت آگاهانه و ناآگاهانه مورد تبعیض مداوم قرار می‌گیرند و از این منظر تحصیلات عالی‌ه برایشان زندگی راحت‌تری فراهم نساخته است (پروین و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۸ به نقل از ری کانتی، ۲۰۱۳).

همچنین دالز در پژوهشی نشان داد که زنان مجرد همچون اعضای «ناکامل» اجتماع نگریده می‌شوند و حتی در سنین بالای ۴۰ سال هم به‌صورت اجباری وادار به ازدواج می‌شوند (کجیاف و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۵ به نقل از دالز، ۲۰۱۴).

مروری بر پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که بالا رفتن سن ازدواج و احتمال تجرد برای دختران، به دلیل شرایط اجتماعی و فرهنگی موجود در جوامع متفاوت در برخی جوامع می‌تواند باعث ایجاد نگاه مسئله محور به این پدیده شود که در نهایت به‌عنوان یک مسئله‌ی اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. بر این اساس بررسی و شناخت پدیده‌های جدید و مسائل مهم اجتماعی در شهری مثل بوکان که متأثر از پیامدهای مدرنیته، در حال گذار از نظم سنتی به نظم نوین است امری ضروری است؛ زیرا در این جوامع از یک سو ارزش‌ها و الگوهای سنتی به‌طور

کامل رنگ نباخته است و از سوی دیگر ارزش‌ها و هنجارهای جدید و مدرن نهادینه نشده است. این تقابل بین ارزش‌های سنتی و مدرن در جوامع برای افراد پیامدها و تجارب مختلفی را به همراه دارد که در این پژوهش به واکاوی پدیده‌ی تجرد و بازسازی معنایی آن در بین دختران شهر بوکان پرداخته‌ایم.

۳- چارچوب مفهومی

دیدگاه تفسیری انسان را به‌مثابه‌ی موجودی فعال، خلاق و معناساز تعریف می‌کند که مدام در حال ساخت و معنادار کردن زندگی اجتماعی و واقعیات اجتماعی روزمره است و از آنجاکه انسان‌ها خلاقانه واقعیتهای متفاوتی را می‌سازند، بنابراین هیچ مدل عام و فراگیری از واقعیت‌ها نیز وجود نخواهد داشت، بلکه این مدل‌ها بر اساس موقعیت‌ها، وضعیت‌ها، شرایط و تجربیات افراد درگیر متفاوت خواهد بود (محمدپور و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۹۵). به نقل از ماکسول، پاتک، الیوت و دنزین). از منظر مکتب کنش متقابل نمادین نیز ارتباط با معنا کاملاً جنبه‌ی اجتماعی دارد و انسان‌ها در فراگرد کنش متقابل اجتماعی به‌گونه‌ای نمادین معناها را به دیگران انتقال می‌دهند و دیگران این نمادهای معنی‌دار را تفسیر می‌کنند و بر پایه‌ی تفسیرشان از این نمادها واکنش نشان می‌دهند (انواری، ۱۳۹۰: ۱۵۷). نمادها به تفسیر رفتار افراد یک جامعه از سوی کنشگران و شکل دادن رفتار آن‌ها در برابر یکدیگر کمک می‌کنند (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۴۰). بر این اساس مفهوم «خود آیین‌سان» اشاره به شیوه‌ای دارد که در آن، مفهوم «خود» شخص از ادراکات دیگران و این‌که چگونه دیگران درباره‌ی ما فکر می‌کنند ناشی می‌شود و لذا افراد همیشه در تلاش هستند در ظاهر رفتار و گفتار خود به‌گونه‌ای رفتار کنند که تأیید دیگران را در پی داشته باشد. بنابراین ظاهر و رفتار آنان، آیین‌های انتظارات دیگران قدرتمند در جامعه خواهد بود.

گافمن نیز برداشت از «خود» را با رهیافت نمایشی تشریح می‌کند و بر این باور است که «خود» افراد به‌وسیله‌ی نقش‌هایی که در این موقعیت‌ها اجرا می‌کنند، شکل گرفته و معنا می‌یابد (گافمن ۱۳۹۱: ۵۵). گافمن «خود» را در تملک کنشگر نمی‌انگارد بلکه آن را محصولی از کنش متقابل میان کنشگر و حضارش می‌انگارد و زندگی روزمره، «خود» را به‌عنوان واقعیتی به نمایش می‌گذارد که به‌وسیله‌ی آدمیان تعبیر و تفسیر می‌شود. از منظر او دنیای زندگی روزمره نه‌تنها از جانب اعضای عادی جامعه در جریان ذهنی معنادار زندگی‌شان به‌عنوان واقعیت مسلم فرض می‌شود بلکه دنیایی است که به پیدایش اندیشه‌ها و اعمال می‌انجامد و به اعتبار همین چیزها، واقعی انگاشته می‌شود. در میان واقعیتهای کثیر که به‌صورت واقعیت «تمام‌عیار» جلوه‌گر می‌شود،

واقعیت زندگی روزمره به صورت دنیایی مشترک در ذهن، یعنی دنیایی که فرد با دیگران در آن شریک هست خودنمایی می‌کند. این ذهنیت مشترک متقابل، زندگی روزمره را از واقعیت‌های دیگری که نسبت به آن آگاهی داریم متمایز می‌کند (برگر و لوکمان، ۱۳۷۵: ۳۴-۳۸).

اینگلهارت بر این باور است که گذار جوامع از نظم سنتی به نظم نوین به تغییراتی در سطوح مختلف و بین تمامی گروه‌ها منجر شده و این تغییرات به نوبه‌ی خود به دگرگونی در ارزش‌ها، انتظارات و خواسته‌ها منتهی می‌شود (جبرائیلی و طاهری، ۱۳۹۳: ۴۲۲ به نقل از اینگلهارت، ۱۳۸۲). طبق این نظریه، افزایش تصاعدی استقلال عمل فرد در زمینه‌های اخلاقی، مذهبی و سیاسی اساس تغییرات شکل گرفته در تشکیل خانواده است. گسترش ارزش‌های فرامادی، تردید نسبت به نهادها و کاهش تحمل نسبت به دخالت افراد بیرونی در زندگی شخصی، از جنبه‌های مختلف تحول در ارزش‌هاست که باعث می‌شود افراد برای زندگی خود آزادانه تصمیم بگیرند (جبرائیلی و طاهری، ۱۳۹۳: ۴۲۲ به نقل از روزینا و فرابونی، ۲۰۰۴).

محققان کیفی بر خورداری از چارچوب نظری از قبل تعیین شده را برای تحقیق مضر می‌دانند، زیرا ممکن است محقق را بسیار محدود کرده و موجب غفلت او از دیدگاه افراد مورد مطالعه درباره‌ی آنچه در حال وقوع است، شود (زیبایی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶۷، به نقل از رضاپور، ۱۳۹۹). بر این اساس در پژوهش حاضر محققین تنها به جهت حساسیت نظری نسبت به پدیده مورد واکاوی بر نظریه‌های مرتبط مروری داشته‌اند و در نهایت به مشارکت‌کنندگان فرصت دادند تا آزادانه دنیای ذهنی و تجربه‌ی زیسته‌ی خود را بازگو کنند. لذا با مروری بر نظریات ذکر شده می‌توان گفت واقعیت ذهنی دختران مجرد برگرفته از واقعیت‌های بسیاری است که حاصل دنیای مشترک ذهنی آن‌ها با دیگران است و این واقعیت‌ها به مرور زمان به عنوان واقعیتی مسلم فرض شده است و مبنای اعمال و رفتار آنان در جامعه قرار گرفته است.

۴- روش پژوهش

پژوهش حاضر کیفی و با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شده است. جامعه‌ی آماری پژوهش نیز دختران مجرد ۳۰ سال به بالای شهر بوکان بودند که در نهایت ۱۶ نفر از آن‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. منطق نمونه‌گیری هدفمند، انتخاب موارد غنی از اطلاعات است؛ یعنی انتخاب مواردی که امکان مطالعه‌ی عمیق را فراهم می‌سازند و پژوهشگر از طریق آن‌ها می‌تواند اطلاعات فراوانی درباره‌ی موضوع‌های اساسی مربوط به مسئله و هدف پژوهش به دست آورد (حریری، ۱۳۸۵: ۱۳۳؛ فلیک، ۱۳۸۷: ۳۳۲).

شیوه‌ی گردآوری اطلاعات در این پژوهش، مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته است. مصاحبه‌ها با طرح سؤالی کلی و عمومی در مورد احساس فرد نسبت به تجرد آغاز گردید و سپس با توجه به اینکه محور پژوهش فهم تجربه‌ی زیسته‌ی دختران از تجرد بود با پرسش‌هایی درباره‌ی احساسات و درک آن‌ها نسبت به تجرد، برداشت و نگرش آن‌ها از رفتار دیگران نسبت به تجرد و شرایط فردی و اجتماعی و پیامدهای ناشی از تجرد برای آن‌ها ادامه پیدا کرد. در طول انجام مصاحبه‌ها تلاش بر این بود که در جریان بحث‌ها، عمق تجارب دختران موردبررسی قرار گیرد.

درنهایت تحلیل داده‌ها و اطلاعات به‌دست‌آمده با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی انجام شد. بدین‌صورت که در فرایند تحلیل مفاهیم موجود در متن مصاحبه‌ها، ابتدا واحدهای معنایی مشخص و کدگذاری شد و در ادامه کدهایی که از نظر مفهومی به یکدیگر نزدیک بودند در یک دسته قرار گرفته و سپس مفاهیم به‌دست‌آمده بنابر قاعده تشابه و تفاوت مجدداً کدگذاری شده و در قالب خرده مقولات درآمدند. درنهایت با کدبندی مجدد آن‌ها طبقات یا مقولات اصلی به دست آمدند. اعتبارسنجی پژوهش نیز با بررسی و واکاوی پدیده از زوایای مختلف، دریافت و تبادل نظر با هممتایان و کنترل یافته‌ها با نظر افراد مشارکت‌کننده در پژوهش انجام شد.

جدول ۱- مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش

ردیف	نام شرکت‌کننده	سن	تحصیلات	وضعیت اشتغال	نوع زندگی
۱	ژیلا	۴۹	ابتدایی	بیکار - خانه‌دار	همراه خواهر و داماد
۲	شادی	۴۷	دیپلم	بیکار - خانه‌دار	همراه خواهر و مادر
۳	زیبا	۳۴	دیپلم	کار در فضای مجازی	همراه پدر
۴	شهلا	۳۲	لیسانس	کار نیمه‌وقت	همراه پدر و نامادری
۵	سرو	۴۵	لیسانس	شغل آزاد	همراه خانواده
۶	مریم	۳۶	لیسانس	کارمند بخش دولتی	همراه خانواده
۷	آگرین	۳۵	لیسانس	کارمند بخش دولتی	همراه خانواده
۸	پروین	۳۷	لیسانس	کارمند بخش دولتی	همراه خانواده
۹	سعیده	۴۳	لیسانس	کارمند بخش دولتی	همراه خانواده
۱۰	زهرا	۴۰	لیسانس	کارمند بخش دولتی	همراه خانواده
۱۱	سوسن	۴۲	کارشناسی ارشد	کارمند بخش دولتی	همراه مادر
۱۲	گلاره	۴۱	کارشناسی ارشد	کارمند بخش دولتی	همراه خانواده

۵- یافته‌های پژوهش

نظر به این که سؤالات مطرح شده، تجربه‌ی زیسته‌ی دختران از مجرد را در برمی‌گرفت، در مصاحبه‌ها و فرایند انجام پژوهش تلاش گردید که علاوه بر کشف تجربه‌ی دختران مجرد از مجرد، احساسات و نگرش‌های دختران به مجرد، پیامدهای مجرد در زندگی فردی و اجتماعی و نقش عوامل زمینه‌ای در ادراک دختران از مجرد نیز مورد واکاوی قرار گیرد. در ادامه مقولات و مفاهیم استخراج شده آمده است.

۵-۱- تناقض در احساسات نسبت به مجرد

تناقض در احساسات نسبت به مجرد، آن دسته از تجارب احساسی است که با نوع مجرد اعم از مجرد خودخواسته، ناخواسته و تحمیلی رابطه‌ی مستقیم دارد. نظرات مشارکت‌کنندگان پژوهش نشان داد که آن‌ها به‌ندرت احساس رضایت و یا نارضایتی مطلق نسبت به مجرد دارند و بیشتر احساس دوگانه‌ای نسبت به مجرد دارند که بسته به نوع شرایط اقتصادی و تحصیلی متغیر است.

۵-۱-۱- احساسات منفی نسبت به مجرد

برخی از مشارکت‌کنندگان در پژوهش مجرد را به دلیل مواردی نظیر نبود شخص مناسب برای ازدواج و یا دخالت خانواده در امر ازدواج به‌عنوان امری تحمیلی تجربه می‌کنند و از این مجرد ناخواسته ناراضی هستند. در پی این مجرد ناخواسته دختران در شرایط متفاوت احساساتی نظیر محدودیت، عدم پیشرفت، پوچی، احساس سردرگمی در زندگی، در جا زدن، عدم امنیت، سربار خانواده بودن و افسردگی و تنهایی مزمن را تجربه می‌کنند. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره می‌گوید:

«احساس خوبی نیست. مخصوص وقتی مثل من تنها مجرد خانواده تویی و خواهر و برادرات ازدواج کردن و وضعشون هم خوبه و خوشبختن آدم بیشتر احساس ناراحتی داره. چون همش مقایسه میشه با اونا... حس می‌کنم جای مشخصی ندارم، کل زندگیم معلق مونده، تو این جامعه همه چی به ازدواج کردن مربوطه. از تنهایی متنفرم از اینکه تنهام می‌ترسم و واقعاً به کسی نیاز دارم که توی زندگی‌ام باشه و تنهاییم رو پر کنه».

الف- ترس از تنهایی

بخش بزرگی از نگرانی دختران مجرد نسبت به آینده از ترس احتمال فوت و از دست دادن پدر و مادر و اجبار به تنها زندگی کردن ناشی می‌شود. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش از اینکه در دوران کهولت تنها بمانند ابراز نگرانی می‌کنند و ترس ناشی از آن بخش بزرگی از تصورات دختران

مجرد در مورد آینده را شکل می‌دهد که در صورت فوت والدین سرنوشت آنان چه می‌شود و آنها چگونه با ضعف و ناراحتی‌های دوران پیری باید مواجه شوند. یکی از پاسخگویان در این باره می‌گوید:

«احساس خوبی ندارم، احساس تنهایی و بی‌کسی و بی‌امنیتی می‌کنم، کسی تو خونه من رو درک نمی‌کنه، همیشه می‌ترسم، اضطراب دارم، اضطراب اینکه اگه مادرم نباشه من باید چکار کنم؟ سرنوشت من تو آینده چی میشه؟ اگه مریض بشم کی پیشم می‌مونه؟»

ب- پافشاری خانواده در تسریع ازدواج

برخی از پاسخگویان معتقد بودند که خانواده شرایط آنان را درک نمی‌کند و دائماً بر ازدواج آن‌ها در اولین فرصت بدون در نظر گرفتن شرایط مناسب اصرار دارند. آن‌ها بر این باورند که زندگی آن‌ها همواره با سایر اعضای متأهل خانواده مقایسه می‌شود و همین امر موجب تحت فشار گذاشتن آن‌ها برای ازدواج در اسرع وقت از سوی خانواده می‌شود. یکی از پاسخگویان در این باره می‌گوید:

«بیشترین فشاری که رو من هست برای ازدواج اول از سمت خانواده است به خصوص مادرم، مادرم آدم عصبی هستش. مرتب منو با خواهرهام مقایسه میکنه، میگه اونا زرنگن. باهوشن. آیندشونو ساختن. توهمینطوری موندی. بیشتر مادرم از بدبختی‌ها با من حرف می‌زنه و این رو من بیشتر فشار روحی میاره، امیدی برام نمونده.»

از منظر برخی از دختران مجرد مشارکت‌کننده در پژوهش زندگی در کنار والدین برای آن‌ها مسئولیت‌های متفاوتی نظیر نگهداری از اولیا، میزبان بودن و پذیرایی از سایر خواهران و برادران در مهمانی‌ها و دورهمی‌های خانوادگی را به وجود می‌آورد که خود این مسئولیت‌ها فشار جسمی و روحی زیادی را در کنار تنهایی برای آن‌ها در پی دارد.

ج- احساس محدودیت ناشی از مجرد

مقوله‌ی احساس محدودیت ناشی از مجرد، یکی از مشکلاتی است که دختران مجرد بالای ۳۰ سال شهر بوکان آن را تجربه می‌کنند. از منظر آن‌ها نوعی از محدودیت تحمیلی است و شامل مواردی نظیر ممانعت از یادگیری مهارت‌های جدید و خروج از منزل و نداشتن استقلال می‌شود. نوع دیگری از محدودیت نظیر محدود کردن دایره‌ی ارتباط با افراد متأهل از ترس به هم خوردن رابطه‌ی زناشویی آن‌ها، محدود کردن خود به کار و امور منزل و عدم تعامل با افراد جامعه از ترس برچسب خوردن و ... انتخابی است و توسط خود دختران مجرد در نظر گرفته می‌شود. «شهلا» یکی از پاسخگویان که به خاطر طلاق والدینش با پدرش تنها زندگی می‌کند در این باره می‌گوید:

«پدرم که اصلاً اجازه نمی‌ده یک کلاس هم برم و یا کاری یاد بگیرم، چند وقت پیش کلاس زبان می‌رفتم گفت حق نداری بری، منم به حرفش گوش ندادم و رفتم. وقتی برگشتم باهام دعوای سختی کرد و بعدش تهدیدم کرد اگه برم میاد کلاس و آبروریزی می‌کنه. منم نرفتم».

۵-۱-۲- احساس مثبت نسبت به مجرد

برخی از مشارکت‌کنندگان در پژوهش نسبت به مجرد بودنشان حس خوبی داشتند. این افراد نسبت به مجردشان پذیرش داشته و از زندگی مجردی خود رضایت داشتند. سحر در این باره می‌گوید:

«مجردی صد در صد انتخاب خودم بوده تو هر مقطعی هم خواستگار مناسب داشتم؛ اما مجرد موندن رو فعلاً ترجیح دادم. دارم چیزهای جدیدی رو تجربه می‌کنم که برام خوشاینده، احساس جوانی و شادابی دارم. شاید اگه زود ازدواج می‌کردم این قدر درگیر مشکلات می‌شدم که این فرصت‌ها رو از دست می‌دادم... الانم به ازدواج هم فکر می‌کنم...».

برخی از پاسخگویان در مقایسه‌ی زندگی خود با بعضی افراد متأهل از مجرد خود احساس رضایت دارند و معتقدند این زمان را تا وقتی که ازدواج کنند به فرصتی مناسبی برای رشد و تعالی خود تبدیل ساخته‌اند. معمولاً چنین احساس مثبتی را دخترانی دارند که خودشان از ازدواج امتناع کرده‌اند و مجرد آنان امری خودخواسته بوده است.

تجربه‌ی استقلال یکی از مفاهیم کلیدی مهم در این بخش از پژوهش است. دختران مشارکت‌کننده در این پژوهش داشتن استقلال فکری و حق تصمیم‌گیری فردی را از مزایای زندگی مجردی می‌دانستند و در این میان عده‌ای نیز به فکر استقلال از خانواده بودند. یکی از پاسخگویان در این باره می‌گوید:

«از لحاظ ذهنی مستقل‌تر شدم، تونستم از لحاظ فکری روی خانواده‌ام تأثیر بگذارم، با وجودی که پدر و مادرم افراد فوق‌العاده سنتی و سختگیری بودند الان به من اجازه میدن تنهایی به خیلی از جاهایی که دوس دارم برم و دنبال کارهای هنری برم».

افراد مصاحبه‌شونده در این تحقیق بر این باور بودند که از لحاظ ذهنی و هویتی توانسته‌اند نقش فعال‌تری را در عرصه‌ی زندگی ایفا کنند و با تأثیر بر دیگران باعث تغییر آن‌ها هم شده‌اند.

۵-۱-۳- احساسات دوگانه به مجرد

بعضی از پاسخگویان نیز احساس دوگانه‌ای به مجرد داشتند. برخی از آنها بسته به شرایط اجتماعی در مواردی نظیر واکنش‌های ناصواب دیگران، احساس نیاز به شریک زندگی... حس ناخوشایندی به مجرد داشتند اما در شرایط دیگر نسبت به مسئله‌ی مجرد بی تفاوت بوده یا حس خوشایندی به آن داشتند. یکی از پاسخگویان در این باره می‌گوید:

«اگر فقط خودمو در نظر بگیرم از اینکه تا این سن مجرد موندم هیچ حسی ندارم، کاملاً به این مسئله بی تفاوتم، ولی وقتی با قضاوت‌های مردم روبه‌رو میشم این مسئله اذیتم می‌کنه، چون مرتب دنبال جواب این سؤالشون هستن که من از نظر دیگران چه نقص و عیبی دارم که کسی نمی‌یاد منو بگیره، یا چه ذهنیتی دارم که با کسی به توافق نمی‌رسم».

در بین مشارکت‌کنندگان دختران شاغل بیشتر احساسات دوگانه نسبت به مجرد را تجربه می‌کنند؛ زیرا آنان بر این باورند که ممکن است با ازدواج کنترل بر درآمد اقتصادی و استقلال مالی خود یا شرایط دسترسی به اهداف برنامه‌ریزی شده فردی برای خود در آینده را از دست بدهند.

۵-۲- پیش‌داوری و قضاوت ناصواب

از نگاه پاسخگویان این پژوهش، گمانه‌زنی‌های ناصواب در مورد رفتار، گفتار و حتی اندیشه‌ی دختران مجرد و همچنین پیش‌داوری، این باور را برای دیگران به وجود می‌آورد که این دختران شخص مناسبی برای ازدواج نیستند. این قضاوت‌ها در اذهان دیگران این باور را ایجاد می‌کند که این دختران توقع و انتظارات بالایی نسبت به ازدواج دارند و یا کسی آن‌ها را برای ازدواج نمی‌خواهد. از منظر دختران مجرد قضاوت آن‌ها از طرف سایر افراد حتی اگر دلیل موجهی برای اثبات حرف‌هایشان نداشته باشند، باور پذیر است. یکی از پاسخگویان در این باره می‌گوید:

«خیلی وقت‌ها مجبور شدم روابطم رو محدود کنم، از ترس اینکه مبدا خانمی فکر کنه به شوهرش نظر دارم یا مردی همین فکر رو در مورد من داشته باشه، مجبور شدم خیلی روابط یا دوستی‌هام و بیخیال شم، اینکه بهت شک کنن و طبق اون شک‌ها باهات رفتار کنن وحشتناکه، سعی می‌کنم این تجربه رو نداشته باشم».

قضاوت شدن توسط دیگران تأثیر مخربی بر زندگی دختران مجرد این پژوهش داشت و باعث خودسانسوری، ترس از ابراز وجود و کاهش روابط اجتماعی آن‌ها شده است. آن‌ها در راستای پیشگیری از قضاوت شدن در بعضی موارد انزوا را انتخاب کرده و رفتار خود را به‌منظور جلوگیری از فشار قضاوت‌های اطرافیان کنترل می‌کردند.

۳-۵- شرایط نامساعد خانواده

از منظر مشارکت‌کنندگان در پژوهش وجود شرایط نامساعد در خانواده در شرایطی که امروز آن‌ها تجربه می‌کنند تأثیر زیادی داشته است. حال نگاه و درک آن‌ها از این تجربه کاملاً باهم متفاوت است. برخی از پاسخگویان با یادآوری شرایط زندگی خود در خانواده به‌نوعی خود را قربانی و آسیب‌دیده‌ی شرایط نامساعد خانواده می‌دانند و بر این باورند که شخصاً در آن دخالتی نداشته و ناخواسته زندگی آن‌ها تحت تأثیر این شرایط قرار گرفته است. یکی از پاسخگویان در این باره می‌گوید:

«چون بابام پسر نداشت مسئولیت نگهداری پدر و مادرم افتاد گردن من و من نتونستم ازدواج کنم. الانم تنهایی، استرس و فشار نگهداری از والدین پیر و زمین گیرش واسم کلی مشکلات عصبی و روانی درست کرده. بابام همیشه می‌گفت: ژاله دختر نیست اون پسر باباشه، هیچ‌وقت عروسی نمی‌کنه.»

بنابراین برخی از مشارکت‌کنندگان تسلیم انتظارات خانواده شده و برای تأمین خواسته‌ی خانواده زندگی و آینده خود را فدا کرده‌اند. از منظر این دختران آن‌ها قربانی شرایط شده‌اند. یکی از پاسخگویان در این باره می‌گوید:

«آرزو می‌کنم کسی مثل من زندگی نکنه، زندگی خوبی نداشتم سه تا پیر رو خودم به قبرستون تحویل دادم. الانم با خواهر و داماد زندگی می‌کنم و خودم مریض و ناراحتم.»

اما در مقابل خرده مقوله فداکاری استخراج شد که شامل آن دسته از کنش‌ها و رفتارهای حمایت‌گرانه است که در جریان جامعه‌پذیری در دختران بروز کرده است. در این شرایط دختران خود را موظف به حمایت و مراقبت از اعضای خانواده می‌دانند و در مقابل آن دسته از دخترانی که احساس قربانی شدن را تجربه می‌کنند، این احساس را نوعی فداکاری می‌دانند. این دختران کاملاً خودخواسته با فداکاری از خواسته‌های خود صرف‌نظر کرده و در برخی موارد حتی نقش مادر را برای سایر اعضای خانواده ایفا می‌کنند. یکی از شرکت‌کنندگان که بعد از فوت مادر مسئولیت مراقبت از اعضای خانواده را برعهده گرفته در این باره می‌گوید:

«به دلیل احساس مسئولیتی که به اعضای خانواده دارم نمی‌تونم فقط به فکر خودم باشم. الان ی مورد ازدواج خیلی خوب دارم ولی نمی‌تونم بهش جواب بدم چون همشهریم نیست موندم چطور بهش جواب بدم اگه باهاش ازدواج کنم، باید از اینجا برم پس چه کسی مراقب خونوادم باشه.»

۴-۵- ناامنی مالی و اقتصادی

این مقوله که بیانگر بخشی دیگر از تجربه‌ی زیسته‌ی دختران از تجرد است، مربوط به سوءاستفاده‌ی مالی دیگران از درآمد و اندوخته‌ی مالی دختران شاغل توسط اطرافیان می‌شود. از منظر دختران مجرد پاسخگو، در بعضی مواقع دختران با رضایت کامل امکان استفاده از منابع مالی خویش را به اطرافیان می‌دهند و به آن‌ها کمک می‌کنند. ولیکن در برخی مواقع خانواده و اطرافیان با اعمال فشار عاطفی و علی‌رغم میل باطنی آن‌ها، دختران را مجبور به کمک‌های مالی می‌کنند. یافته‌های مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که بیشتر مشارکت‌کنندگان شاغل به این تجربه اشاره داشته‌اند؛ بنابراین بر اساس یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها می‌توان به دو خرده مقوله‌ی دادرس اطرافیان و تحمیل درخواست‌های مالی اشاره کرد. دادرس بودن از منظر دختران مجرد زمانی است که خودخواسته و با رضایت قلبی به خانواده و اطرافیان خود کمک مالی می‌کنند و در مقابل تحمیل درخواست مالی زمانی است که اطرافیان با ایجاد فشار عاطفی، اقدام به استفاده از اموال و درآمد دختران مجرد می‌کنند و این دختران به دلیل حفظ احترام و حرمت اطرافیان، درخواست‌های مالی را بدون تمایل و رضایت قلبی انجام می‌دادند. یکی از پاسخگویان در این باره می‌گوید:

«مجبورم برای بقیه خرج کنم، قبل‌ها پس‌انداز داشتم، چند دفعه تو خانواده مشکل مالی پیش اومد هر دفعه یک قسمت از سرمایه‌ی من فدا شد، دیگه چیزی برام نداشتن، خانواده‌ام رو خیلی دوست دارم ولی اینکارهاشون اذیتم می‌کنه و مطمئنم هیچ‌وقت قرار نیست چیزی رو به هم پس بدن، اوایل می‌گفتن بهت پس میدیم الان میگن تو هم عضو خانواده‌ای و باید خرج کنی».

۵-۵- توانمندسازی

این مقوله‌ی عمده، بیانگر وضعیتی است که برخی از دختران مجرد تلاش می‌کنند کنترل زندگی خویش را به دست بگیرند و با اتخاذ تصمیمات مثبت و تعیین اهداف، فعالیت‌هایی را به‌منظور توسعه‌ی مهارت‌های جدید شروع کنند. این افراد سعی می‌کنند با تکیه بر دانش، مهارت و مطالعه‌ی مستمر، ضمن شناخت مسیر درست پیشرفت، در راستای رسیدن به موفقیت تلاش کنند.

۵-۵-۱- کسب مهارت‌های تخصصی ارتباطی

این مقوله، شامل تجربه‌ی زیسته‌ی افراد مصاحبه‌شونده در راستای تقویت، یادگیری مهارت‌های فردی، اجتماعی، رشد اعتمادبه‌نفس و یا غلبه بر ضعف‌های فردی و جلوگیری از افسردگی می‌شود. برخی از مشارکت‌کنندگان در پژوهش بر این باور بودند که باید با تقویت مهارت‌های ارتباطی، زندگی بهتر و شادتری را برای خود بسازند تا این دوره از زندگی را با رنج و ناراحتی سپری نکنند. بر این اساس با یادگیری مهارت‌های ارتباطی، مراجعه به مشاور، مطالعه‌ی کتاب‌های روانشناسی و حتی استفاده از مطالب موجود در فضای مجازی برای داشتن روحیه‌ی بهتر و زندگی شادتر تلاش می‌کنند.

۵-۵-۲- پرورش استعداد‌های فردی

برخی دیگر از پاسخگویان پژوهش تلاش کرده‌اند مجردی را به فرصتی برای پرورش استعدادها و علایق فردی خود تبدیل کنند، همان‌گونه که گیدنز اشاره می‌کند در دوران کنونی انسان‌ها به جهت مواجهه با بحران‌های متعدد زندگی امکان بیشتری برای بازیابی و بازتعریف «خود» دارند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۵۷). آنها بر این باور بودند که از طریق پرورش استعداد‌های فردی خود توانسته‌اند هویت خاصی را در زمینه‌های موردعلاقه خود نظیر فعالیت‌های هنری کسب کنند. یکی از مشارکت‌کنندگان به این نکته اشاره داشت که شرکت در فعالیت‌های هنری برای او از این جهت که توانسته خانواده‌اش را با خود همراه کند بسیار لذت‌بخش است، زیرا این امر باعث بهبود و عمیق شدن رابطه او با خانواده نیز می‌شود.

۵-۶- استراتژی جوان ماندن

مقوله‌ی استراتژی جوان ماندن، به آن دسته از اقدامات و فعالیت‌هایی اشاره دارد که دختران مجرد برای حفظ هویت جوانی خود به کار می‌گیرند تا وضعیت ظاهری آنان موردپذیرش قرار گیرد. آنچه در این پژوهش محرز شد، این بود که در جامعه‌ی ما فراگیر شدن حفظ هویت جوانی در عرصه‌ی زیست اجتماعی به‌وضوح قابل‌مشاهده است. دختران مجرد سعی داشتند با آراستگی خویشتن، پویایی شخصیت خود را حفظ کنند و به‌منظور حفاظت از زیبایی خود در برابر گذر زمان، بخشی از وقت و منابع مالی خود را برای امور مرتبط به زیبایی هزینه کنند.

۵-۶-۱- اقدامات پیشگیرانه

مقوله‌ی اقدامات پیشگیرانه شامل اهمیت دادن به رژیم غذایی، ورزش، حفظ شادابی درونی، خواب و استراحت کافی، ماساژ صورت، استفاده از ماسک‌های خانگی، استفاده از انواع کرم‌های ضد چروک و لیفت صورت، مرطوب‌کننده و ماسک‌های خانگی است که توسط اکثریت پاسخگویان استفاده می‌شد. از نظر «سحر» ۳۳ ساله:

«...من ظاهر خیلی بهتری نسبت به همسالان متألم دارم بدون هیچ اقدامی به عمل‌های زیبایی... به پوست صورتم، پوست دستم، موهام، تیپ و قیافه‌م، کلاً به خودم خیلی اهمیت می‌دم، رو خودم و تغذیه‌ام حساسم، زیاد آب می‌خورم. میوه می‌خورم. خوب می‌خوابم. از لحاظ روحی خودمو دوست دارم و تأیید می‌کنم و سعی می‌کنم زیبایی و جوانیم را حفظ کنم.»

۵-۶-۲- اقدامات درمانی

این مقوله به تلاش‌هایی اشاره دارد که از طریق عمل‌های جراحی، برای به دست آوردن چهره‌ی خاص صورت می‌گیرد. عمل‌های جراحی که برخی از پاسخگویان انجام داده بودند شامل عمل جراحی بینی، انواع تزریق به‌وسیله‌ی ژل و چربی جهت جوان‌سازی یا از بین بردن چین‌وچروک دست و صورت بود. دختران مجرد علل روی آوردن به این کار را حفظ و ایجاد اعتمادبه‌نفس، جلوگیری از پژمردگی جسمی و روحی عنوان می‌کردند. «لاله» ۴۱ ساله در این باره می‌گوید:

«تونستم ظاهرم رو خیلی رو فرم نگه‌دارم. تزریق ژل چربی و جوان‌سازی صورت، ماساژ صورت، هر کاری لازم باشه واسه جوان موندنم انجام می‌دم. نه به‌خاطر اینکه شخصی بیاد و منو بپسنده، می‌خوام همیشه جوان و شاداب به نظر بیام این‌طوری تا حد زیادی اعتمادبه‌نفسم رو نگه داشتیم، یک‌بار هم جراحی داشتیم خیلی سال پیش.»

۵-۷- مواجهه‌ی دوگانه با حس مادری

با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده در این مقوله، دختران در جامعه‌ی ما همواره به رویای مادر شدن فکر می‌کنند. آن‌ها از دوران کودکی با عروسک‌های خود نقش مادری را تمرین کرده‌اند. مادر بودن را بزرگ‌ترین و ارزشمندترین تجربه‌ی زندگی برای زنان می‌دانند. برخی از آن‌ها معتقدند در مواردی ممکن است آن‌ها فرصت ازدواج و تجربه‌ی مادری را نیابند. برخی نیز تأخیر در امر ازدواج را یکی از دلایلی می‌دانستند که خواه‌ناخواه ممکن است بر مادر شدن آن‌ها به لحاظ از دست رفتن فرصت سنی مناسب برای مادر شدن تأثیر منفی بگذارد. بر این مبنا واکنش مصاحبه‌شوندگان در مواجهه با میل مادر شدن به دو نوع منفعلانه و فعالانه بود. عده‌ای منفعلانه تسلیم این شرایط

تجرد شده و شانس برای بچه‌دار شدن در آینده برای خود قائل نبودند، اما برخی دیگر فعالانه به فریز کردن تخمک‌ها برای فرزند آوری در آینده و یا فرزندخواندگی اقدام کرده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

کشور ایران با شروع دوران نوسازی با دگرگونی‌های اساسی روبه‌رو بوده است که این دگرگونی‌ها، نشان از تغییر و دگرگونی آرام در ساخت‌های اساسی جامعه‌ی ایرانی از جمله خانواده و ارزش‌های موجود در آن به‌خصوص در نیم‌قرن اخیر به شکل کند اما مستمر و قاطع بوده است (بهنام، ۱۳۹۴: ۱۶۱). تجرد طولانی مدت و تجرد قطعی نیز به‌عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی نوظهور در ایران و به‌خصوص در شهرهای کوچکی نظیر شهر بوکان به‌عنوان یکی از این تغییرات نیاز به مطالعه و بررسی دقیق دارد. بر این اساس بازسازی معنایی تجربه‌ی تجرد نزد دختران مجرد به‌مثابه‌ی گروه‌هایی که به دلیل جایگاه شکننده و آسیب‌پذیر در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی در معرض طرد، ترحم، سرزنش و پدیده‌ی داغ‌ننگ هستند امری ضروری است که تا حدودی می‌تواند روشنگر زوایای این دگرگونی‌های در جامعه ایرانی باشد. لذا موضوع این پژوهش مطالعه‌ی تجربه‌ی زیسته‌ی دختران بالای سی سال شهر بوکان از تجرد است.

۱۴۸

یافته‌های پژوهش حاکی است که تجرد این دختران به دلایل شخصی یا مرتبط با شرایط خانوادگی و اجتماعی آنان بوده است. از این‌رو برخی دلیل تجرد خود را به خاطر ادامه تحصیل، نیافتن شخص مناسب، بی‌اعتمادی و بدبینی به ازدواج بیان کرده‌اند. برخی دیگر نیز شرایط خاص خانواده نظیر فوت پدر یا مادر و یا نبود فرزند پسر را به‌عنوان دلایل ازدواج نکردن خود مطرح کرده‌اند. یافته‌ها همچنین نشان داد که بیشتر دختران مشارکت‌کننده در این پژوهش، از تجرد خود رضایت ندارند و تجرد آن‌ها ناخواسته و تحمیلی بوده است. آن‌ها به این نکته اشاره دارند که اگرچه تمایل خود به ازدواج را نشان داده‌اند، ولیکن زمینه‌های فردی، اجتماعی و فرهنگی زیادی را به‌منزله‌ی عوامل بازدارنده بر سر راه ازدواج خود تجربه کرده‌اند. برخی از افراد مورد مطالعه در این پژوهش نیاز خانواده به آنان را دلیل ازدواج نکردن خود برشمرده‌اند و بر این باورند که انصراف دختران از ازدواج به خاطر کمک به والدین، به‌اندازه‌ی مردان، آزادی عمل ندارند که این مورد بیشتر در برای رسیدگی و کمک به والدین، به‌اندازه‌ی مردان، آزادی عمل ندارند که این مورد بیشتر در بین دختران غیر شاغل مشاهده می‌شود. دختران شاغل نیز در مواردی نظیر وابستگی خانواده به درآمد آن‌ها، نگرش سخت‌گیرانه به ازدواج از سوی خانواده، نبود فرد مناسب با موقعیت اجتماعی آنان با تأخیر در ازدواج مواجه شده‌اند.

تناقض در احساسات نسبت به تجرد از دیگر مفاهیمی است که گویای احساس و تجربه‌ی دختران مجرد نسبت به شرایط خود است. بیشتر مشارکت‌کنندگان در پژوهش، بسته به شرایط اجتماعی و فردی، احساس دوگانه‌ای نسبت به تجرد داشتند. از یک طرف به دلیل نداشتن مشکلات زندگی متأهلی و امکان صرف وقت و انرژی بیشتر برای خود و اهدافشان نسبت به تجرد و شرایط موجود خود احساس رضایت داشتند و از طرفی دیگر به خاطر تجربه شرایطی نظیر تنهایی، حس اضافی بودن و احساس عدم پیشرفت در زندگی نسبت به تجرد خود احساس نارضایتی داشتند. آنچه در این پژوهش در مورد رابطه‌ی تجرد و طرد به دست آمد، بامطالعه‌ی قانع عزآبادی و همکاران (۱۳۹۲)، کجباف و همکاران (۱۳۸۷) و با یافته‌های مطالعه‌ی قادرزاده و همکاران (۱۳۹۶) در خصوص تجربه‌ی تجرد و احساس انزوای مضاعف، آینده‌ی مبهم و احساس سربرابر بودن در خانواده همسو است.

همچنین نتایج بازگویی آن است که تأهل سایر اعضای خانواده بر احساسات و نگرش دختران مجرد تأثیرگذار است و دخترانی که تجرد را با داشتن خواهر و برادر متأهل تجربه می‌کنند - نسبت به دخترانی که خواهر و برادر مجرد دارند - ناخوشایندی و نارضایتی بیشتری را در زندگی تجربه می‌کنند. تجرد برای این افراد در بسیاری موارد مانعی برای استقلال و آزادی‌شان بوده است و محدودیت‌های بسیاری را برای آن‌ها ایجاد کرده است. بسیاری از پاسخگویان جهت پیشگیری از قضاوت دیگران درزمینه‌ی پوشش، رفت‌وآمد و رفتار در جمع‌های خانوادگی و دوستانه، محدودیت‌هایی را برای خود اعمال می‌کنند. در پی این تجارب بعضی از دختران پاسخگو به فکر استقلال از خانواده بودند و نبود شرایط اجتماعی، فرهنگی و بافت سنتی شهر بوکان را تنها مانع استقلال خود می‌دانستند؛ اما برخی دیگر از پاسخگویان با وجود تجارب مختلف از اینکه تنها نبوده و همراه خانواده زندگی می‌کردند رضایت داشتند؛ زیرا آن‌ها از تنها زندگی کردن، وحشت داشته و زندگی در جمع خانواده را به زندگی مستقل فردی ترجیح می‌دادند و بزرگ‌ترین نگرانی خود را در آینده، زندگی در تنهایی بعد فوت والدین عنوان می‌کردند.

یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش در میان دختران مجرد، ناامنی مالی و اقتصادی بود. بیشتر دختران شاغل به این امر اذعان داشتند که همواره سایر اعضای خانواده به درآمد مالی آن‌ها چشم طمع داشته و بخشی از درآمد آنان صرف هزینه‌ها و درخواست‌های مالی اعضای خانواده می‌شود. رسیدگی به‌ظاهر و حفظ هویت جوانی و تلاش برای داشتن ظاهری زیبا و مقبول از جمله اقدامات و راهبردهای است که دختران مجرد جهت داشتن زندگی شادتر و سالم‌تر برای خود در پیش می‌گیرند. درواقع ترس از دست دادن جوانی در ظاهر مقوله‌ای است که دختران مجرد را

به سمت راههایی برای مقابله و متوقف کردن این روند سوق می‌دهد تا از منظر خودشان مقبول بودن خود در ظاهر را از دست ندهند. اقدامات درمانی و عمل‌های جراحی از جمله اقداماتی است که در این زمینه به‌خصوص توسط برخی دختران شاغل انجام می‌شود. برخی دیگر نیز اقدامات پیشگیرانه را جهت متوقف یا کندتر شدن روند از دست دادن زیبایی جوانی، مورد استفاده قرار می‌دادند. تلاش جهت توانمندسازی خود، با یادگیری مهارت‌های جدید نیز از جمله دیگر راهکارها و استراتژی‌هایی است که دختران مجرد، جهت داشتن احساس بهتر به آن روی آورده بودند. فریز کردن تخمک‌ها و اقدام به فرزندخواندگی از جمله تلاش‌هایی است که مشارکت‌کنندگان در پژوهش جهت حفظ فرصت مادر شدن به آن اشاره کرده‌اند. درنهایت می‌توان گفت نتایج این پژوهش بازگویی آن است که مجرد دختران از جمله پدیده‌های نوظهوری است که خواسته و یا ناخواسته با روند افزایشی روبه‌رو بوده و پیامدهای متفاوتی را برای فرد و خانواده و جامعه به همراه دارد. در کشور ما این معضل به‌ویژه به دلیل آسیب‌های جمعیتی به صورتی نگران‌کننده جریان دارد و بر گستردگی آن افزوده شده است.

منابع

- ۱۵۰
- ◀ انواری، محمدرضا، (۱۳۹۰). «نقد و بررسی نظریه‌ی کنش متقابل نمادین»، معرفت، س ۲۰، ش ۱۶۷.
 - ◀ باقری، شهلا، جواد مداحی و طاهره لطفی خاچکی، (۱۳۹۸). «برساخت معنایی تأخیر سن ازدواج بر اساس نظریه‌ی زمینه‌ای» (مطالعه‌ی موردی: دانشجویان دختر شهر مشهد)، زن در توسعه و سیاست، د ۱۷، ش ۱.
 - ◀ برگر، پیتر و توماس لوکمان، (۱۳۷۵). *ساخت اجتماعی واقعیت (رساله‌ای در جامعه‌شناسی)*، ترجمه‌ی فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
 - ◀ بهنام، جمشید، (۱۳۹۴). *ایرانیان و اندیشه‌ی تجدد*. تهران: فروزان.
 - ◀ پروین، ستار، زینب فعله‌گری و مرجان کیانی، (۱۳۹۸). «تجربه‌ی زیسته‌ی دختران از تأخیر در ازدواج و گونه‌شناسی استراتژی‌های مواجهه با آن». پژوهشنامه‌ی مددکاری اجتماعی، س ۳، ش ۱۲.
 - ◀ جبرائیلی، هاشم و مهدی طاهری، (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر نوسازی بر سن ازدواج با تأکید بر شاخص‌های جمعیت‌شناختی ازدواج در سطح کشور و ۷ استان منتخب»، پژوهش اجتماعی، ش ۱۳۱.
 - ◀ حریری، نجلا، (۱۳۸۵). *اصول و روش‌های پژوهش کیفی*. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، تهران: واحد علوم و تحقیقات.
 - ◀ رابرتسون، یان، (۱۳۷۴). *درآمدی بر جامعه با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، ستیز و کنش متقابل نمادی*. مشهد: آستان قدس رضوی.

◀ زیبایی نژاد، معصومه، احمد برجعلی، معصومه اسمعیلی، آتوسا کلانتر هرمزی و محمد عسگری، (۱۳۹۹). «واکوی عوامل شروع پویا در همسران شهدای مدافع حرم»، مطالعات راهبردی زنان، د ۲۳، ش ۸۹.

◀ عبداللهی، اصغر، احدی، حسن، تاجری، بیوک و کبری حاج علیزاده، (۱۳۹۹). «تجربه‌ی طلاق از منظر زوجین مطلقه در شهر تهران در پنج سال اول زندگی»، مطالعات راهبردی زنان، د ۲۳، ش ۸۹.

◀ قانع عزآبادی، فرزانه، وحید قاسمی و مسعود کیان‌پور، (۱۳۹۴). «نگرش اجتماعی نسبت به دختران ۳۰ سال و بالاتر» (مورد مطالعه: شهر یزد)، پژوهش‌های جامعه معاصر، د ۴، ش ۷.

◀ قانع عزآبادی، فرزانه، مسعود کیان‌پور و وحید قاسمی، (۱۳۹۲). «تجارب زیسته دختران ۳۰ سال به بالا در زمینه داغ ننگ ناشی از مجرد» (مورد مطالعه: شهر اصفهان و یزد). بررسی مسائل اجتماعی ایران، د ۴، ش ۲.

◀ فلیک، اووه، (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، چاپ اول، تهران، نشر نی.

◀ قادرزاده، امید، فاطمه غلامی والهه غلامی، (۱۳۹۶). «بازسازی معنایی تجربه‌ی زیسته دختران از مجرد» (مورد مطالعه شهر ایوان)، زن در توسعه و سیاست، د ۱۵، ش ۳.

◀ کجباف، محمدباقر، زهره لطیفی، حمیدرضا پوراعتقاد و ماهگل توکلی، (۱۳۸۷). «تحلیل کیفی تجردهای ناخواسته در دختران و پسران»، خانواده پژوهی، س ۴، ش ۱۴.

◀ گافمن، اروینگ، (۱۳۹۱). نمود خود در زندگی روزانه، ترجمه مسعود کیانپور، تهران: نشر مرکز.

◀ گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۸). تجدد و تشخیص، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

◀ مرکز آمار ایران، سرشماری عموم و نفوس مسکن، ۱۳۹۵، www.sci.org.ir.

◀ محمدپور، احمد و محمدتقی ایمان، (۱۳۸۷). بازسازی معنایی پیامدهای تغییرات اقتصادی در منطقه اورامانات تخت»، پژوهش رفاه اجتماعی، س ۷، ش ۲۸.

► byrne, A. (2003). "Developing A Sociological Model for Researching Women's Self and Social Identities", The European Journal of Women's Studies, 10(4).

► Berg Cross, L. Marie Scholz, A. Long, J. Grzeszyk, E. Roy A. (2007) "Single Professional Women: a Global Phenomenon challenges and opportunities", Journal of International Women's Studies, vol5.